



An Analysis of Abolfazl Zarūyi Nasrābād's Satirical Ghazal "Self-Censorship" Based on Michael Riffaterre's Semiotic Theory

Shirzad. Tayefi^{1*} **-Saber. Ghadimi²**

1: Associate Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author): taefi@atu.ac.ir

2: Phd. Student of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract: Abolfazl Zarūyi Nasrābād, a contemporary satirist, endeavors to mirror and critique social, cultural, and political issues in his works while fostering deeper public awareness. This qualitative research, utilizing Michael Riffaterre's semiotic theory, analyzes Zarūyi Nasrābād's satirical ghazal to explore his approach to uncovering hidden meanings in this text. Through heuristic and retroactive readings, the study identifies semantic and conceptual structures in the ghazal "Self-Censorship." The analysis reveals that Zarūyi Nasrābād critiques issues such as injustice, poverty, discrimination, and hypocrisy using satire. Three interrelated descriptive systems—"the suffering individual," "the tyrannical oppressor," and "social justice"—are connected through linguistic elements, enabling a systematic reflection of socio-economic anomalies. The core matrix of "Self-Censorship," i.e. the necessity of satirical critique to reduce injustice and social despair, underscores Zarūyi Nasrābād's critical perspective, for which he employs satire as a means of expressing protest and raising social awakening. The use of satirical devices deepens critiques, enhances audience engagement, and ultimately transforms satire into an instrument of social reform.

Keywords: Abolfazl Zarūyi Nasrābād, Michael Riffaterre's Semiotics, Satirical Ghazal, "Self-Censorship", Semiotics of Satire.

- Sh. Tayefi; S. Ghadimi (2025). "An Analysis of Abolfazl Zarūyi Nasrābād's Satirical Ghazal "Self-Censorship" Based on Michael Riffaterre's Semiotic Theory". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(41).1-28.

[Doi: 10.22075/jlrs.2025.37300.2631](https://doi.org/10.22075/jlrs.2025.37300.2631)



سال شانزدهم - شماره ۴۱ - پاییز ۱۴۰۴

صفحات ۲۸-۱ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ بازنگری ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ پذیرش ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با

رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر

شیرزاد طایفی^۱ / صابر قدیمی^۲

taefi@atu.ac.ir

۱: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده: ابوالفضل زرویی نصرآباد، طنزپرداز معاصر، با آثار خود کوشیده است ضمن بازتاب و نقد مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مخاطب را به تأمل و آگاهی اجتماعی بیشتر سوق دهد. این جستار به روش تحلیل کیفی و با بهره‌گیری از نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر، به نقد غزل طنزی از زرویی نصرآباد پرداخته و رویکرد او را در فهم عمق معانی و دلالت‌های نهفته در طنز او نشان داده است. ضمن اینکه کوشش کرده‌ایم از خوانش‌های اکتشافی و پس‌کنشانه به ساختارهای معنایی و مفهومی غزل خودسانسوری دست یابیم. تحلیل‌های انجام‌شده از انباشت‌ها و منظومه‌های توصیفی در این اثر طنز زرویی نصرآباد نشان می‌دهد که او با بهره‌گیری از زبان طنز، مسائلی همچون بی‌عدالتی، فقر، تبعیض و ریاکاری را نقد کرده است. سه منظومه توصیفی اصلی، حول «فرد دردمند»، «ظالم قلدر» و «عدالت» شکل گرفته و از طریق عناصر زبانی، به هم پیوند خورده‌اند. این ساختار به زرویی نصرآباد اجازه داده است تا به گونه‌ای نظام‌مند، ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را منعکس کند. ماتریس اصلی (غزل طنز خودسانسوری)، یعنی ضرورت بیان نقد طنزآمیز برای کاهش بی‌عدالتی و یأس اجتماعی، بیانگر دیدگاه انتقادی او است که از طنز به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و آگاهی‌بخشی اجتماعی استفاده کرده است. تمهیدات طنزآمیز در این غزل منجر به تعمیق انتقادات و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب می‌شود و طنز او را به ابزاری برای اصلاح اجتماعی تبدیل می‌کند.

کلیدواژه: ابوالفضل زرویی نصرآباد، غزل طنز خودسانسوری، نشانه‌شناسی طنز، نشانه‌شناسی ریفاتر.

— طایفی، شیرزاد؛ قدیمی، صابر (۱۴۰۴). «نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر». دانشگاه سمnan: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۶ (۴۱)، ۲۸-۱.

Doi: 10.22075/jlrs.2025.37300.2631

۱. درآمد

طنز از جمله مهم‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بیانی است که می‌توان به کمک آن، تندترین انتقادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مطرح کرد؛ درحالی‌که اگر ناقد، همان انتقادهای را به صورت عادی یا به طور جد بیان کند، با درگیری و کشمکش، ممنوعیت و... مواجه خواهد شد. به تعبیر بهزادی اندوهج‌زدی، طنز را می‌توان انتقاد نکته‌جویی آمیخته به ریشخند تعریف کرد و آن را طرز خاصی از انواع ادبی برشمرد که با تعریض و به طور غیرمستقیم اظهار می‌شود (ر. ک: ۱۳۷۸: ۶). انتقاد با واژگان گزنده و با بیانی صریح، برای همگان قابل فهم است (و عموماً رنگ و بوی شعار می‌گیرد)؛ اما طنز با بهره‌برداری از تمهیدات هنری و اثربخش و نیز اضافه کردن ملاحظاتی دلنشین به متن، نکوهش را عمق می‌بخشد و بر ارزش و تأثیر آن می‌افزاید. برای مطالعه بیشتر درباره چیستی طنز و دیگر شاخه‌های شوخ‌طبعی، به مقاله عوامل طنزآفرین و انواع اصلی طنز مراجعه کنید (شیری، ۱۴۰۳: ۱۵۲-۱۱۹).

حال وقتی به عنوان مخاطب، با این نوع ادبی تعمیق‌یافته مواجه می‌شویم، چگونه می‌توانیم به معنا و انتقاد مورد نظر نویسنده یا شاعر که در پس ظاهر کلمات پنهان شده‌اند، دسترسی داشته باشیم؟ از چه راهی و با چه ابزاری، خاستگاه خلق شعر یا نثر طنز را دریابیم؟ آیا روش منسجم و هدفمندی وجود دارد که بتوان با آن، ضمن در نظر گرفتن بافت متن و بررسی زوایای مختلف، به دلالت‌هایی فراتر از معنای صریح و قاموسی واژگان اثر برسیم و در پی آن، ایده مرکزی‌اش برای ما نمایان شود؟ به نظر می‌رسد رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر برای حل این مسئله راهگشا باشد. ریفاتر^۱ در نظریه خود به دنبال نظام‌مند کردن فهم نقادانه آثار ادبی با روشی کاربردی است. وی با ارائه روشی منسجم و اجرایی، گام‌های رمزگشایی از تعبیر **دستورگریز** (تعبیر زبانی نابه‌هنجار) را در قالب شیوه‌ای کاربردی تبیین کرده است که می‌تواند به مطالعات ادبی در این حوزه کمک به‌سزایی بکند. **ابرخواننده** که دارای توانش ادبی است، برخلاف

خواننده متوسط که صرفاً توانش زبانی دارد، به خوانش محاکاتی بسنده نمی‌کند و به دنبال فهم درست دلالت‌های سازمان‌یافته درون متن است. ریفاتر اجتناب از محاکات در شعر را در اصطلاح نشانه‌پردازی می‌نامد و در مشهورترین کتابش، *نشانه‌شناسی شعر*، هدف خود را از تبیین نظریه‌اش چنین عنوان می‌کند: «پیش نهادن توصیفی منسجم و نسبتاً ساده از ساختار معنای شعر» (ریفاتر، ۱۹۸۴: ۱).

ابوالفضل زرویی نصرآباد از طنزپردازان مهم پس از انقلاب اسلامی، تحولی در طنز فارسی به وجود آورد و سال‌ها در نشریات مختلفی چون گل آقا، همشهری، به عنوان مصلح اجتماعی، به نقد طنزآمیز پرداخت. مسئله محوری پژوهش پیش رو آن است که بر اساس نظریه ریفاتر (نشانه‌شناس ساختارگرا)، با بررسی زوایای مختلف غزل، طنز خودسانسوری، پس از استخراج انباشت، منظومه‌های توصیفی، هیپوگرام، شبکه ساختاری و درنهایت، با کنار هم قرار دادن قطعات کل ساختار و تحلیل آن‌ها، درک روشمندی از نشانه‌های طنزآمیز موجود در متن اثر مورد پژوهش به دست آید و «خاستگاه» تجلی طنز در این غزل زرویی نصرآباد تبیین شود. غزل خودسانسوری با توجه به بسامد چشمگیر کاربرد صنایع بدیعی و آرایه‌های بیانی، به نظر می‌رسد گزینه‌ای مناسب برای نقد، رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر است؛ زیرا دارای قابلیت **خوانش پس‌کنشانه** است. منتقد پس از خوانش اولیه و اکتشافی متن، به سراغ ترکیب‌های ناهنجار و کلمات معناستیز می‌رود تا متوجه ارجاعات درون‌متنی شود و بعد از طی مراحل، به نظام و خاستگاه محوری و اصلی نهان اثر برسد.

نیز به نظر می‌رسد در این پژوهش ضمن نقد این غزل با محوریت نشانه‌شناسی ریفاتر و دستیابی به ماتریس و هیپوگرام‌های اصلی اثر او، مهم‌ترین دغدغه‌های زرویی نصرآباد برای خلق این شعر طنز هم نمایان خواهد شد و به صورت ضمنی، به پاسخ سؤالات ذیل نیز دست خواهیم یافت: جنس دغدغه‌های شاعر بیشتر فرهنگی است یا سیاسی و اجتماعی؟ کدام یک از مشکلات فردی و اجتماعی ما (از ریا گرفته تا فقر) بیشتر مورد توجه زرویی نصرآباد بوده و او را به تألیف آثار طنز واداشته است؟

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۵

پرسش اصلی ۱. خاستگاه (ماتریس) غزل طنز خودسانسوری چیست؟ بیان غیرمستقیم آن، چگونه در متن شعر طنز او نمایان شده است؟

پرسش اصلی ۲. هیپوگرام‌های مهمی که ناشی از دغدغه‌های مؤلف برای خلق آثار طنز هستند، کدام کمینه‌نگاشت‌ها هستند؟

پرسش فرعی ۱. نشانه‌های مختلف موجود در متن، چگونه به صورت غیرمستقیم راوی خاستگاه شعر خواهند بود؟

پرسش فرعی ۲. میزان انسجام و یکپارچگی ماتریس‌ها در متن شعر مورد پژوهش چگونه است؟

۲-۱. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی ۱. درک درست روابط بینامتنی و بهره‌برداری از توانش ادبی در خوانش اکتشافی، فرآیند اکتشاف خاستگاه مرکزی را تسهیل خواهند کرد. به نظر می‌رسد ظلم‌ستیزی و برقراری عدالت، مهم‌ترین ماتریس این شعر طنز باشد.

فرضیه اصلی ۲. به نظر می‌رسد تقبیح تزویر و ریا، ترسیم زوایای فقر، انتقاد از بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی، نکوهش مدیران بی‌درایت، کمینه‌نگاشت‌های مهم در غزل خودسانسوری او هستند.

فرضیه فرعی ۱. انباشت‌های موجود در این اثر زرویی نصرآباد، منظومه‌های توصیفی، درک هیپوگرام‌ها و طبقه‌بندی ماتریس‌ها، ابزارهای دستیابی به خاستگاه مرکزی غزل خودسانسوری هستند.

فرضیه فرعی ۲. به نظر می‌رسد این شعر طنز از انسجام مناسبی برخوردار باشد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

با محوریت موضوع این پژوهش، تاکنون کتاب، مقاله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری تألیف نشده است. البته پژوهش‌هایی با موضوع نشانه‌شناسی ریفاتر در حوزه ادبیات فارسی صورت گرفته یا آثار زرویی نصرآباد از منظر آرایه‌های ادبی بررسی شده است؛ اما اولین بار است که اثری از یک طنزپرداز زبان فارسی با رویکرد

ریفاتر تحلیل و بررسی می‌شود. در ادامه به پژوهش‌های مهمی که دربارهٔ نظریهٔ ریفاتر و استفاده از آن در نقد اشعار فارسی صورت گرفته، اشاره می‌کنیم و سپس به مرور آثاری که در ارتباط با طنزهای زرویی نصرآباد نگاشته شده، می‌پردازیم:

- خوانش نشانه‌شناختی از شعر زمستان اخوان و آی آدم‌های نیما بر اساس رویکرد ریفاتر در کتاب *نظریه و نقد ادبی* (۱۳۹۸) که حسین پاینده اصول و مفروضات این رویکرد را بیان می‌کند و به نقد دو اثر اشاره شده می‌پردازد. این کتاب یکی از منابع خوب نشانه‌شناسی ریفاتر به حساب می‌آید و در پژوهش‌هایی که در ادامه مطرح می‌شود، به این اثر ارجاع داده شده است.

- رسالهٔ دکتری با عنوان بررسی و تحلیل نشانه‌شناختی اشعار شاملو طبق نظریهٔ ریفاتر (ابراهیم در آتش و آیدا در آینه) (۱۳۹۸) نوشتهٔ نوشین صادقی، نسبت به سایر پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که از نظریهٔ یادشده استفاده کرده‌اند، از نظم و انسجام مناسب‌تری برخوردار است و با بهره‌برداری از رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر، گام به گام از خوانش اکتشافی در سطح محاکاتی (معنایی) با قصد کشف لایه‌های پنهان متن، به سمت خوانشی پس‌کنشانه (دلالتی) حرکت کرده است (صادقی، ۱۳۹۸).

- بررسی نشانه‌شناختی شعر مسافر سپهری (بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا؛ الگوی ریفاتر و یاکوبسن) در پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، نوشتهٔ فرهاد طهماسبی که طی آن، با بهره‌گیری از دو الگوی نشانه‌شناسی ساختارگرایی ریفاتر و الگوی ارتباطی یاکوبسن به خوانش شعر «مسافر» پرداخته و پس از تبیین این دو نظریه، به خوانش شعر اکتشافی و کشف لایه‌های درونی شعر از منظر ریفاتر رسیده و پس از آن، پیام‌های شعر با الگوی ارتباطی یاکوبسن رمزگشایی شده است (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۲۴۲/۲-۲۱۵).

- دو پژوهش از علیرضا نبی‌لو:

الف. خوانش نشانه‌شناختی زمستان اخوان و پیامی در راه سپهری در ادبیات پارسی معاصر (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۳۶/۴-۱۱۳).

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۷
ب. کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما در پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی دانشگاه تهران (نبی‌لو، ۱۳۹۰: ۹۴/۲-۸۱).
در این مقاله‌ها، نبی‌لو اشعار اشاره‌شده را از منظر نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر بررسی کرده و با قرائت پس‌کنشانه و ایجاد منظومه‌های توصیفی به درک مناسبی از شعر دست یافته است.

- تأویل نشانه‌شناختی ساختارگرایی شعر زمستان اخوان ثالث در پژوهش‌های زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، نوشته علیرضا انوشیروانی، با استفاده از الگوی ارتباط یاکوبسن و بررسی نشانه‌شناختی شعر زمستان اخوان ثالث، لایه‌های معنایی متعددی را آشکار می‌سازد و به این موضوع دست می‌یابد: نشانه‌شناسی بر تکرار در تفسیر استوار است (انوشیروانی، ۱۳۸۴: ۲۰/۲۳-۵).

- بررسی زیبایی‌شناختی کتاب رفوزه‌ها اثر ابوالفضل زرویی از نظر زبانی، معنایی و موسیقایی، در مطالعات زبانی و بلاغی، نوشته الهام عمومی و همکاران است که کوشیده‌اند به تحلیل زیبایی‌شناختی سه بعد مهم سبک‌ساز (زبان، معنا و موسیقی) در اشعار طنز ابوالفضل زرویی نصرآباد بپردازند. آن‌ها به این نکته رسیده‌اند که وی در قلمرو زبان، از طریق شگردهایی همچون واژه‌سازی، عامیانه‌نویسی، فرنگی‌مآبی و کهنه‌گرایی، مهارت‌های خود را نشان داده و در حیطه معنا با اعمال روش‌هایی چون تزریق‌سرایی، محذوف‌سازی، آشکارنویسی و تناقض‌گویی، کلام را متحول ساخته است (عمومی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۷۶-۱۴۵).

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان ابزارهای بدیعی در شعر طنز معاصر (با تکیه بر اشعار ایرج میرزا، ابوتراب جلی و ابوالفضل زرویی نصرآباد) (۱۳۹۶) نوشته صابر قدیمی، کوشیده است تا مهم‌ترین و پربسامدترین تمهیدات بدیعی در شعر طنز شاعران نام‌آشنای معاصر (ازجمله زرویی نصرآباد) را معرفی کند که طنزپردازان، دانسته یا نادانسته، از آن‌ها برای افزودن تأثیر بر مخاطب استفاده می‌کنند. در این پژوهش، حدود ۲۰۰۰ بیت ذیل ۵۲ صنعت بدیعی طبقه‌بندی شده است (قدیمی، ۱۳۹۶).

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان نقد ساختاری «غلاغه به خونه‌ش نرسید» اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد (۱۳۹۱) نوشته سارا غلامی، صرف نظر از تلاش صورت گرفته، این پژوهش اثری ساختمند و قابل‌اعتنا به نظر نمی‌رسد؛ به عنوان مثال، می‌توان به نبود انسجام در فصل‌بندی و زیرعنوان‌ها، موضوعات نامرتبط هر فصل و نیز ضعف در جمع‌بندی بخش نتیجه‌گیری پایان‌نامه اشاره کرد. در چکیده این پایان‌نامه آمده است: «از بررسی ۱۰۰ صفحه ابتدایی رفرزها! به این نتیجه دست یافته‌ایم که: در ساختار زبانی ۱۰ درصد از زبان کهن فارسی، ۴۰ درصد از زبان بیگانه!، ۳۰ درصد امثال و حکم و ۲۰ درصد واژه‌ها و ترکیب‌های خلاقانه ... بهره برده است!» (غلامی، ۱۳۹۱).

در انتها نکته حائز اهمیت استفاده از نمونه‌های مشترک در مقاله‌های تألیف شده با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر است. سه مقاله از چهار مقاله برتر، با محوریت زمستان اخوان ثالث تدوین شده‌اند و در دیگر پژوهش‌ها که موضوع متفاوتی دارند، میزان چشمگیری همپوشانی دیده می‌شود؛ درحالی که در ارتباط با انواع و گونه‌های دیگر ادبی (ازجمله طنز، ترانه و...) پژوهش مستقل و درخور توجهی با رویکرد ریفاتر انجام نشده است.

۴-۱. مبانی نظری

۴-۱-۱. تبیین الگوی نظری ریفاتر

مایکل (میشل) ریفاتر (۲۰ نوامبر ۱۹۲۴، بورگانثوف - ۲۷ می ۲۰۰۶، نیویورک) منتقد و نظریه پرداز نام آشنا در بورگانثوف، در منطقه لیموزین فرانسه به دنیا آمد. پس از دریافت جایزه کانکورس جنرال در ادبیات فرانسه، در دانشگاه لیون به ادامه تحصیل پرداخت. او بعد از جنگ جهانی دوم، وارد دانشگاه سوربن شد و مدرک کارشناسی ارشد کلاسیک خود را در سال ۱۹۴۷ از آنجا دریافت کرد و سپس در سال ۱۹۵۵ موفق به دریافت مدرک دکتری در دانشگاه کلمبیا شد. او به منظور تکمیل فعالیت‌های دانشگاهی خود و به عنوان مدیر گروه زبان فرانسه از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۸۳ در دانشگاه کلمبیا ماند و در سال ۱۹۸۲ به بالاترین رتبه حرفه‌ای در دانشگاه کلمبیا رسید. نام ریفاتر به عنوان شخصیتی ادبی که در نشانه‌شناسی، تحول اساسی ایجاد کرده، در دانشگاه آکسفورد ثبت شده است. وی عضو آکادمی هنر و علوم آمریکا است و به دلیل

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۹

تلاش‌هایش، درجات و مدال‌های افتخاری از دانشگاه بلاسی - پاسکال و نیز دانشگاه سوربون دریافت کرده است. او در سال ۲۰۰۴ بازنشسته شد و در سال ۲۰۰۶ در خانه‌اش در شهر نیویورک درگذشت (ر. ک: اسمیت، ۲۰۰۸: ۸؛ به نقل از خیری، ۱۳۹۵: ۳۲).

مایکل ریفاتر، زبان‌شناس ساختگرایی است که بر نشانه‌شناسی شعر متمرکز شده است و نظریه‌های متنوع و آثار درخور توجهی درباره این موضوع دارد. او برای شعر، دو سطح در نظر می‌گیرد و معتقد است که دلالت در لایه دوم متن قرار می‌گیرد و مخاطب حرفه‌ای ادبیات (ابرخواننده) که دارای «توانش ادبی» است، برای دریافت آن باید از خوانش اکتشافی و معنی کردن شعر به سمت خوانش پس‌کنشانه حرکت کند. از نظر او کاربرد زبان معمولی با زبان ادبیات تفاوت دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های زبان شعر با سایر زبان‌ها، وحدت درون است که مخاطب با استفاده از ابزارهای مختلف و با گذر از لایه اولیه، به جهان درونی شعر وارد شده است، به دنبال کشف وحدت درونی و مقصود اصلی شاعر خواهد بود (ر. ک: ریفاتر، ۱۹۸۷: ۱۵۵-۱۵۰). «ریفاتر معنا را حاصل دریافت و درک خواننده می‌داند و نشانه‌شناسی شعر در اساس، برداشتی است از شیوه پردازش متن و درک مفهوم آن از سوی خواننده‌ها» (کالر، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

شعر، زبانی غیرعلمی و دلالتگر دارد و ریفاتر در مقاله‌ای با عنوان "توصیف ساختارهای شعر" می‌نویسد: «شعر نوعی از کاربرد زبان است؛ لیکن این زبان تأثیرهایی ایجاد می‌کند که زبان روزمره نمی‌تواند آن را به طرزی متداوم ایجاد کند» (ریفاتر، ۱۹۹۹: ۱۴۹). بر پایه همین پیش‌فرض، ریفاتر در ابتدای کتاب *نشانه‌شناسی شعر*، هدف خود را پیش‌نهادن توصیفی منسجم و نسبتاً ساده از ساختار معنای شعر معرفی می‌کند (ر. ک: پاینده، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۶).

ریفاتر فرآیند تفسیر ساختارگرایانه شعر را شامل این موارد می‌داند:

«۱. سعی کنید متن را برای دریافت معنای معمولی بخوانید.

۲. عناصری را که غیردستوری به نظر می‌رسند و مانع از تفسیر تقلیدی معمولی

می‌شوند، برجسته کنید.

۳. هیپوگرام (تداعی واژگانی و مفهومی) با مطالب مألوف را که در متن، بیانی گسترده یا ناآشنا پیدا کرده‌اند، کشف کنید.

۴. از هیپوگرام‌ها [تداعی واژگانی و مفهومی] ماتریس [شبکه ساختاری] را به دست آورید.

یعنی یک جمله یا یک واژه را پیدا کنید که بتواند هیپوگرام‌ها و متن را تولید کند» (سلدن، ۱۳۸۴: ۸۵).

گام اول این فرآیند، خوانش اکتشافی متن است.

۱-۴-۱. خوانش اکتشافی و پس‌کنشانه

در مرحله اول، **خوانندگان متوسط** یا افرادی که اهل هنر و ادبیات‌اند، ولی دانش تخصصی و **توانش ادبی** ندارند، با متن مواجه می‌شوند که به دنبال معنای اثرند. **معنا**، اطلاعاتی است که در سطح محاکاتی شعر به خواننده داده می‌شود و حاصل بررسی واژه‌های موجود در شعر است. درنهایت به مجموعه‌ای متوالی از واحدهای افاده‌کننده اطلاعات دست خواهیم یافت که واحدی معناشناختی یکپارچه نخواهد بود. در مرحله اول خوانش که جهت آن از ابتدا به انتهای متن است، خواننده نشانه‌های زبانی را با ارجاع به واقعیت درمی‌آورد و اثر را بازنمایی و توصیف واقعیت می‌بیند. «ریفاتر بین دو دسته از خوانندگان شعر تمایز می‌گذارد. به اعتقاد او شعر را می‌توان به طریقی معمولی (غیرتحلیلی) خواند یا به روشی تخصصی (با به کارگیری روش‌شناسی‌های تحلیلی). برداشت خوانندگان دسته اول از معنای شعر، به معنای ظاهری (سطحی) آن محدود می‌شود؛ به بیان دیگر، ایشان قادر نیستند دلالت‌هایی فراتر از معنای صریح و قاموسی واژگان شعر بیابند. متقابلاً خوانندگان برخوردار از توانش ادبی به معنای سطحی شعر بسنده نمی‌کنند و می‌کوشند تا دلالتی ژرف‌تر در آن پیدا کنند.

اگر خواننده‌ای شعر را زنجیره‌ای از گزاره‌های مصداق‌دار در واقعیت عینی پندارد، قاعداً توجّه‌اش صرفاً به معنای آن شعر متوقف خواهد شد و معنا هم از نظر او عبارت خواهد بود از آنچه شعر به صورت واحدهایی از اطلاعات بازنمایی می‌کند؛ لیکن این توجّه انحصاری به معنای شعر، پیامدی کاهنده دارد؛ زیرا در آن صورت شعر فروکاسته

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۱۱

خواهد شد به مجموعه‌ای از اجزای نامرتب» (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۴). برای دستیابی به این لایه، پس از **خوانش اکتشافی**، باید با **خوانش پس‌کنشانه** به سراغ متن رفت تا خاستگاه و ایده مرکزی (هسته معنایی) مشخص شود. برای همین منظور و تحلیل مناسب نشانه‌شناختی ریفاتر، ابتدا باید انباشت، منظومه توصیفی، هیپوگرام و ماتریس را در اثر کشف و تبیین کرد.

۲-۱-۴-۱. انباشت

ریفاتر انباشت را زنجیره‌ای از واژه‌ها می‌داند که عنصر معنایی (معنابن) مشترکی داشته باشند و در متن شعر از طریق این عنصر با یکدیگر پیوند یابند (ر. ک: پاینده، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۷). در این مرحله، برای گذر از سطح محاکات‌ی (تقلیدی) به نشانگی و دلالت، باید انباشت دال‌های پراکنده را گرد یکی از عناصر معنایی ایجاد کنیم:

«خواننده نخست با مجموعه‌ای از کلمات مواجه می‌شود که از طریق عنصر معنایی واحدی که به آن "معنابن مشترک" می‌گوییم، به هم مرتبط می‌شوند. به تدریج که خواننده به بخش‌های مختلف شعر می‌رسد، با توجه به مختصات معنایی واژگان، انواع انباشت شکل می‌گیرند و بدین ترتیب معنابن‌هایی که پررنگ‌تر و سازمان‌یافته‌تر هستند، به جای می‌مانند و در عوض معنابن‌هایی با کمترین بسامد حذف می‌شوند» (ریفاتر، ۱۹۷۸: ۳۵). «انباشت، مجموعه کلماتی‌اند که پی‌درپی گرد معنابن گرد هم می‌آیند. معنابن‌ها واحدهایی‌اند که در فرایند انباشت به کار گرفته می‌شوند. فرایند انباشت وقتی اتفاق می‌افتد که خواننده با مجموعه کلماتی مواجه می‌شود که از طریق عنصر معنایی واحدی که به آن **معنابن مشترک** می‌گوییم، به هم مربوط می‌شوند. برای مثال گل، معنابن مشترک زنبق، آفتابگردان و آلاله است. همان انباشت مبتنی بر سازواری واژگانی و همسانی مفاهیم همپایه است. سازواری واژگانی، مستلزم همسانی‌هایی در صورت و موقعیت برخی از واژگان متن است که با توجه به معنا توجیه و تأویل می‌شوند. در اینجا تأکید بر روابط مترادف واژگان با یکدیگر است و ممکن است در یک شعر چندین انباشت معنایی وجود داشته باشد. معنابن می‌تواند در رأس منظومه توصیفی یا انباشت

جای گیرد و بنا بر تناسب یا ارتباط‌های دیگر، زیرشاخه‌هایی زیر مجموعه خود داشته باشد» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۱۵۴؛ به نقل از خیری، ۱۳۹۵: ۶۰).

باید به این نکته توجه داشت که بعضی واژگان، تعبیر و ترکیب‌ها حضور پررنگ‌تری در شعر دارند و مانند سازه‌ای محکم، معانین‌های مختلف را به هم متصل می‌کنند.

۳-۱-۴-۱. منظومه‌های توصیفی

منظومه‌های توصیفی یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر هستند. ریفاتر معتقد است که متن ادبی، مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که در سطوح مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. یکی از این سطوح، سطح توصیف است. منظومه‌های توصیفی گروه‌هایی از کلمات هستند که در متن به طور مکرر با یکدیگر ظاهر می‌شوند و یک مفهوم یا ایده را بیان می‌کنند. منظومه توصیفی، مبتنی بر روابط مفاهیم ناهمپایه و منظومه‌ای متصل و منسجم از کلمات یا عبارات است که با هم ارتباط دارند و گرد یک واژه، به عنوان هسته، به یکدیگر متصل شده‌اند. هریک از این مفاهیم تداعی گر جنبه‌ای از واژه هسته هستند، واژه‌ای که خود در متن اثر تصریح نشده است. این منظومه می‌تواند متشکل از تعدادی واژه، اظهارات و تصاویری باشد که در متن به کار می‌رود و هریک بنا بر طرح ذهنی شاعر یا نویسنده بر اجزایی از یک کل دلالت می‌کند... باید دانست که منظومه‌های توصیفی، خارج از شعر حضور دارند و بخشی از دریافت‌های معقول و معمول افراد به شمار می‌آیند (ر. ک: برکت، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

برخلاف انباشت که رابطه‌ای مانند ترادف یا شمول‌واژگی، موجب قرار گرفتن مجموعه‌ای از کلمات کنار یکدیگر می‌شود، در منظومه‌های توصیفی، رابطه از جنس مجاز مرسل است و با علاقه کل به جز، واژگان و عبارات دیگر تابعی از هسته مرکزی هستند. هسته‌های مرکزی منظومه‌های توصیفی، دربرگیرنده تمام اقرار خودند و الزاماً از درون متن انتخاب نمی‌شوند. رابطه هسته و منظومه ممکن است استعاری نیز باشد که در این صورت، هم هسته و هم منظومه استعاری می‌شوند؛ یعنی ممکن است رابطه منظومه و هسته در خارج از شعر پدید آید؛ یعنی معنای شعر استعاری باشد. «در نظام فکری

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۱۳

ریفاتر کاربست بینامتنی پدیده‌ای است که سخت به منظومه‌های توصیفی وابسته است؛ زیرا بدیهی‌ترین جلوه شیوه بینامتنی آن است که یک متن به واسطه یک قطعه، یک جمله و حتی یک کلمه، متن دیگری را تداعی کند» (ایگلتون، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

۴-۱-۱. کمینه‌نگاشت (هیپوگرام)

کمینه‌نگاشت بنا به تعریف، عبارت است از تعبیری متداول در گفتار عموم، گزاره‌های پرکاربرد یا گاه نقل‌قولی بسیار شنیده‌شده که بیشتر به کلیشه‌ای فرهنگی با تداعی‌های متعارف شباهت پیدا کرده است. خلق اثر ادبی، بر اساس نظریه ریفاتر، نتیجه تفصیل یک کلمه یا یک جمله با استفاده از زنجیره‌ای از کمینه‌نگاشت‌هاست (ر. ک: پاینده، ۱۳۹۸: ۶۲). «هیپوگرام (یک جمله واحد یا رشته‌ای از جملات) می‌تواند از کلیشه‌ها ساخته شود یا اینکه نقل‌قولی از یک متن دیگر یا یک نظام توصیفی باشد» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

هیپوگرام به‌طور مستقیم در متن بیان نمی‌شود؛ اما در تمام سطوح متن حضور دارد و به انسجام و وحدت متن کمک می‌کند. خواننده با تحلیل متن و رمزگشایی نشانه‌ها، می‌تواند به هیپوگرام متن پی‌برد. در خوانش اول متن، نادرستی‌ها (دستورگیزی‌ها) کشف می‌شود و در خوانش دوم موضوعات، مفاهیم کلیدی و هیپوگرام‌ها کشف می‌شود و سپس به کمک انباشت و منظومه‌های توصیفی، معنای پنهان متن بر ملا خواهد شد. اثر ادبی از طریق هیپوگرام‌ها (موضوعات کلیدی) با شبکه ساختاری خود مرتبط است. بنا به تعریف ریفاتر، کمینه‌نگاشت‌ها عبارتند از گزاره‌های پرکاربرد کلیشه‌ای شده در زبان یا واژه‌هایی که تداعی‌های متعارفی را به ذهن خواننده متبادر می‌کنند (ر. ک: پاینده، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۱).

۵-۱-۴. شبکه ساختاری (ماتریس)

پس از آنکه از طریق فرآیند استخراج انباشت و منظومه‌های توصیفی، هیپوگرام‌ها (تداعی واژگانی و مفهومی) را که در متن، بیانی گسترده و ناپیدا دارند، کشف کردیم، به سراغ شبکه ساختاری یا خاستگاه می‌رویم. خاستگاه، شبکه ساختاری یا ماتریس یک

اندیشه است که غالباً می‌توان آن را به صورت یک واژه، عبارت یا جمله بیان کرد. شاعر یا نویسنده هرگز این ایده مرکزی و اصلی را تصریحاً در اثر خود ذکر نمی‌کند؛ اما هر آن‌چه در متن وی بیان می‌شود، در واقع اشارتی غیرمستقیم به خاستگاه دارد. شبکه ساختاری در نظر ریفاتر به واژه‌ها یا جمله‌ای گفته می‌شود که توان تولید هیپوگرام‌ها و در نتیجه متن نهایی را داشته باشد و باعث وحدت ساختاری شود. «ماتریس را فقط به طور غیرمستقیم می‌توان استنتاج کرد و به صورت یک کلمه یا یک جمله عملاً در شعر وجود ندارد. شعر از طریق روایت‌های بالفعل ماتریس به صورت عبارت‌های آشنا، کلمات مبتدل، نقل قول‌ها، یا تداعی‌های قراردادی، با ماتریس خود در پیوند است. این روایتها هیپوگرام نامیده می‌شود. شعر از طریق روایت‌ها با هیپوگرام‌ها (موضوعات کلیدی) با ماتریس ساختاری خود در ارتباط است؛ و همین ماتریس است که سرانجام به شعر وحدت می‌بخشد» (سلدن، ۱۳۸۴: ۸۵). در انتها و با بررسی مجموعه اطلاعات به دست آمده از خوانش اکتشافی، خوانش پس‌کنشانه شامل استخراج انباشت و منظومه‌های توصیفی اثر و دستیابی به هیپوگرام‌های آن، به شبکه ساختاری اثر می‌رسیم.

۲. بحث

۲-۱. خوانش نشانه‌شناسانه شعر طنز «خودسانسوری»

در ابتدا، متن غزل طنز «خودسانسوری»، قرار گرفته است تا با خوانش اولیه اثر مواجه

شویم:

۱. «سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست»

لیک دل من به شصت چیز دگر مبتلاست!

۲. ای که تو گفتی: «ز ارج، پول تو چون آهن است»

پول من از آهن است، جیب تو آهن رباست!

۳. زخم گرانی، طیب، بر دل ما دید و گفت:

«زخم شما لاعلاج، درد شما بی‌دواست»!

۴. بر کرم‌ت ای رفیق، نیست امید ای دریغ

مهر تو سر در نشیب، لطف تو پا در هواست

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتور — ۱۵

۵. ای صنم شوخ و چست، تا قمه در دست توست

هر چه تو گویی درست، هر چه تو گویی بجاست!

۶. سهمیه ما اگر، هست یکی، پس چرا

قسمت ما «این قد» است، سهم شما «این هوا» است؟!

۷. در وسط انتقاد، نعره‌زنان شد قلم:

«های! نلغزی به چپ! های! نیچی به راست»!

۸. ای که ادیبی، ز فضل، در غزل من ببخش

وزن اگر بی ثبات، قافیه گر اشتباست! (زرویی نصرآباد، ۱۳۹۱: ۹۱).

۱-۲. خوانش اکتشافی

در مواجهه اولیه با این اثر، به نظر می‌رسد شاعر با بهره‌گیری از زبان و تمهیدات طنز، قصد نقد وضعیت حال را دارد؛ اما مشخص نیست مهم‌ترین دغدغه او برای خلق این اثر چیست؟ ارتباط بعضی از مصرع‌ها و ابیات واضح نیست. نادرستی‌ها (دستورگیزی‌ها) از جمله «جیب تو آهن‌رباست»، «مهر تو سر در نشیب»، «لطف تو پا در هواست»، «قسمت ما «این قد» است»، «سهم شما «این هوا» است»، «نعره‌زنان شد قلم» و... ادراک درست و کامل ما را در خوانش اولیه متن، با مشکل مواجه می‌کند. محاکات و ارجاع نشانه‌ها به مصادیق عینی در جهان واقعیت، ما را به نتیجه روشنی از فهم اثر نمی‌رساند. در خوانش اکتشافی متن می‌توان گفت شاعر در بیت اول، زلف یار را مانند زنجیری دانسته که دلش را به دام انداخته و علاوه بر آن زلف، به چیزهای دیگری هم مبتلا شده است! در بیت دوم درباره آهن‌ربا بودن جیب مخاطب و جذب پول می‌گوید. در بیت سوم از طیبی سخن گفته که درد شاعر را لا علاج تشخیص داده است. در ادامه به مخاطب خود می‌گوید که بر کرم امید ندارم؛ چون مهر تو سر در نشیب، لطف تو پا در هواست! در بیت بعد به صنم قمه‌کشی می‌گوید تا قمه در دست داری، تمام حرف‌هایت درست است! بیت ششم درباره اعتراض به میزان سهمیه خود نسبت به مخاطب است و می‌پرسد چرا قسمت ما «این قد» است، سهم شما «این هوا» است؟!

سپس از قلمی سخن به میان می‌آید که با عتاب از کسی می‌خواهد به سمت چپ یا راست نلغزد. در بیت پایانی نیز، از فرد فاضلی می‌خواهد ایرادات شعر او را ببخشد. خواننده دارای توانش ادبی پس از خوانش اولیه، درمی‌یابد که محاکات، جوابگوی فهم این متن نیست و با بهره‌گیری از رهیافتی دیگر، به دنبال خوانش پس‌کنشانه خواهد رفت تا به لایه‌های ژرف‌تری از معنا دست پیدا کند که ریفاتر به آن دلالت می‌گوید.

۲-۱-۲. خوانش پس‌کنشانه

خوانش پس‌کنشانه نوعی خوانش متن است که طی آن خواننده با در نظر گرفتن اطلاعات و نشانه‌های موجود در کل اثر، به بازخوانی و تفسیر مجدد بخش‌های قبلی متن می‌پردازد. به عبارتی دیگر، خواننده با پیش‌رفتن در متن و کسب اطلاعات جدید، درک خود را از بخش‌های قبلی آن به‌روزرسانی می‌کند. خوانش هر متنی یک فرایند پویا و تعاملی است که در آن، خواننده نقشی فعال ایفا می‌کند. او نه تنها کلمات و جملات را رمزگشایی، بلکه آن‌ها را در چارچوب کل متن تفسیر می‌کند. در این فرایند، خواننده از دانش و تجربیات خود برای درک متن استفاده می‌کند و نیز از نشانه‌های موجود در متن برای هدایت تفسیر خود بهره می‌برد. در گام اولیه خوانش پس‌کنشانه، به سراغ کشف انباشت‌های این اثر می‌رویم. سپس منظومه‌های توصیفی آن را پیدا می‌کنیم و بعد از دستیابی به هیپوگرام‌های متن، به شبکه ساختاری اثر می‌رسیم.

۲-۱-۳. انباشت‌ها

در این غزل طنز زرویی نصرآباد، با پنج انباشت مواجه هستیم. محنت و رنج، یأس و حرمان، ثروت و دارایی، خطاکاری و در انتها ظلم، پنج عنصر معنایی مشترک این اثر هستند و زنجیره‌وارگان و ترکیب‌های مرتبط از طریق این عناصر، در متن شعر با یکدیگر پیوند می‌یابند.

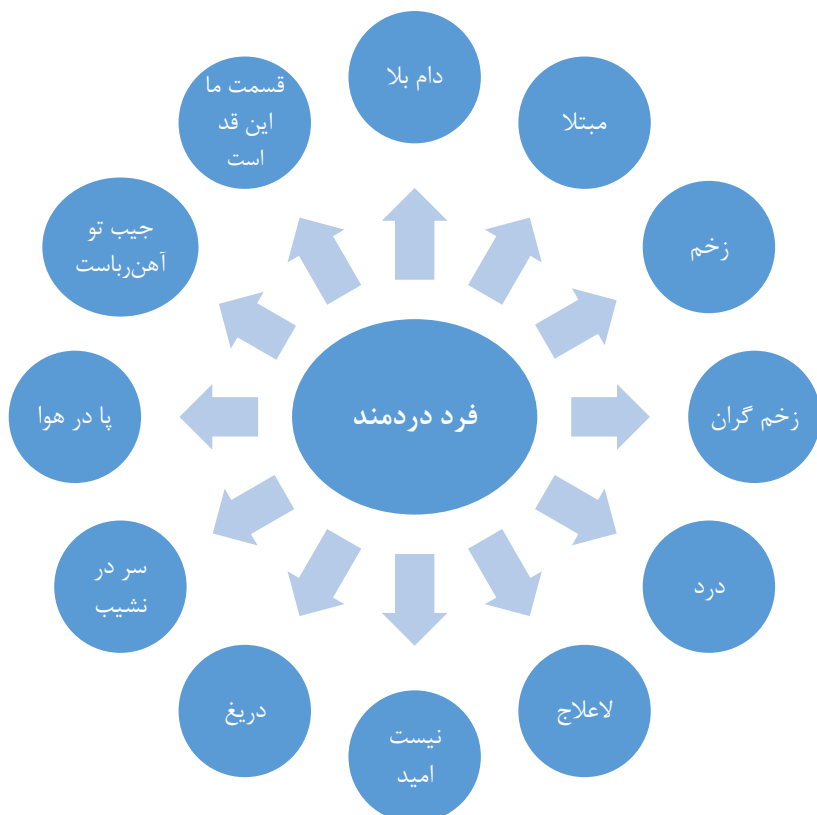
ردیف	عنصر معنایی مشترک	زنجیره واژه‌ها و ترکیب‌های انباشت شده
۱	محنت و رنج	دام، بلا، مبتلا، زخم، زخم گران، لاعلاج، درد، دوا،
۲	یأس و حرمان	لاعلاج، دریغ، نیست امید، سر در نشیب، پا در هوا، زخم گران، زخم شما لاعلاج، درد شما بی‌دواست
۳	ثروت و دارایی	ارج، پول (۲ بار)، گران، سهمیه، قسمت، سهم
۴	خطاکاری	بی‌ثبات، اشتباه، نلغزی، نیچی، ببخش
۵	ظلم	قمه، های!، نعره‌زنان، زخم گران، زخم لاعلاج

باید به این نکته توجه داشت که بعضی واژگان، تعبیر و ترکیب‌ها حضور پررنگ‌تری در شعر دارند و مانند سازه‌ای محکم، معنابن‌های مختلف را به هم متصل می‌کنند. به‌عنوان مثال، ترکیب واژگان «زخم لاعلاج» از یک سو، بیانگر «رنج» است و از سوی دیگر، در زنجیره معنابن «ظلم» قرار می‌گیرد و در انتها منجر به «یأس و حرمان» می‌شود.

۴-۱-۲. منظومه‌های توصیفی

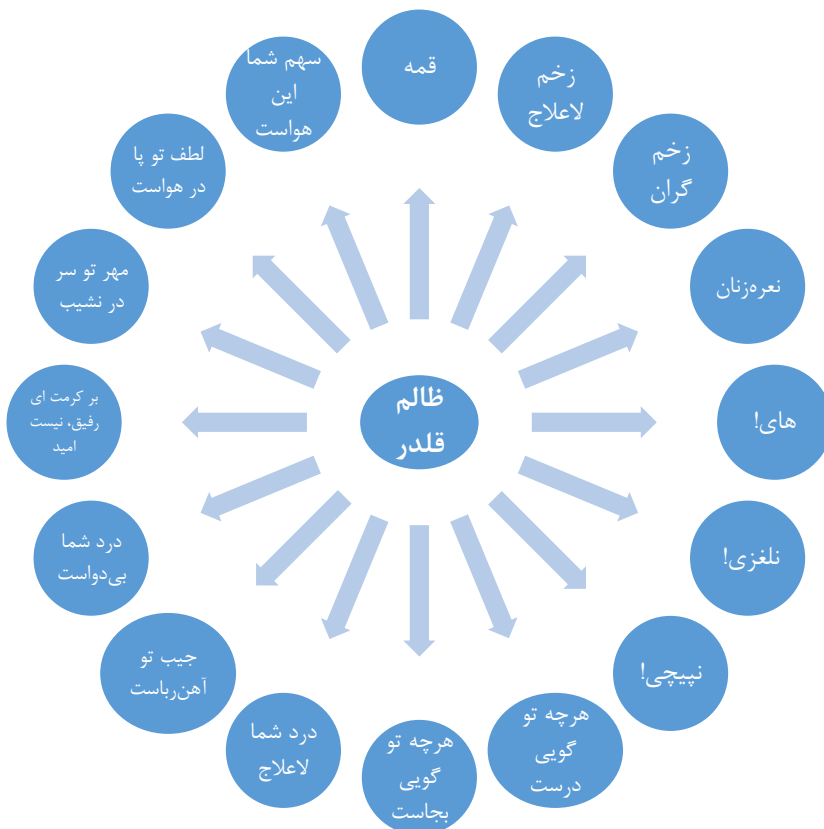
در این اثر سه منظومه توصیفی وجود دارد. مراکز این منظومه‌ها عبارتند از: «فرد دردمند»، «ظالم قلدر» و «عدالت».

۴-۱-۲-۱. منظومه توصیفی ۱. فرد دردمند



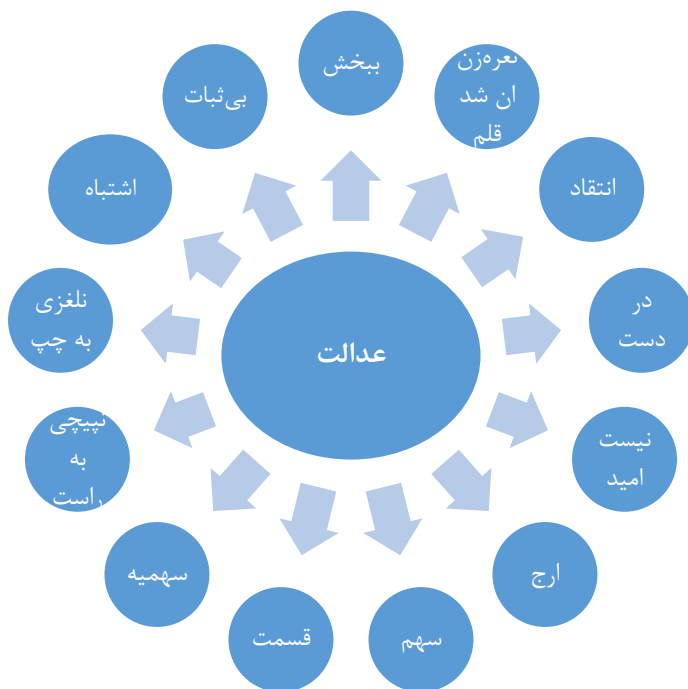
منظومه توصیفی اول، گرد «فرد دردمند» شکل گرفته است. این مجموعه دوازده قمر دارد که شامل «دام بلا»، «مبتلا»، «زخم»، «زخم گران»، «درد»، «لا علاج»، «نیست امید»، «دریغ»، «سر در نشیب»، «پا در هوا»، «جیب تو آهنرباست» و «قسمت ما این قد است» می‌شود. این منظومه با انباشت‌های «محنت و رنج»، «حرمان و یأس» و «ظلم» ارتباط مستحکم‌تری دارد.

۴-۱-۲-۲. منظومه توصیفی ۲. ظالم قلدر



«ظالم قلدر»، هسته منظومه توصیفی دوم اثر است و با شانزده قمر، بزرگ‌ترین منظومه به حساب می‌آید. «قمه»، «زخم لاعلاج»، «زخم گران»، «نعره زنان»، «های!»، «نلغزی!»، «نیچی!»، «هرچه تو گویی درست»، «هرچه تو گویی بجاست»، «درد شما لاعلاج»، «جیب تو آهن ریاست»، «درد شما بی دواست»، «بر کرم‌ت ای رفیق، نیست امید»، «مهر تو سر در نشیب»، «لطف تو پا در هواست» و «سهم شما این هواست»، اقمار این غزل طنزند. به نظر می‌رسد منظومه «ظالم قلدر» با هر پنج انباشت اثر ارتباط دارد؛ اما ارتباط آن با «ظلم» پررنگ‌تر است.

۴-۱-۲-۳. منظومه توصیفی ۳. عدالت



آخرین منظومه توصیفی این اثر، «عدالت» است و سیزده قمر آن عبارتند از: «ببخش»، «نعره زنان شد قلم»، «انتقاد»، «تا قمر در دست توست»، «نیست امید»، «ارج»، «سهم»، «قسمت»، «سهمیه»، «پیچی به راست»، «نلغزی به چپ»، «اشتباه» و «بی ثبات». انباشت‌های «خطاکاری»، «ثروت و دارایی» و زنجیره واژه‌ها و ترکیب‌های انباشت شده آن‌ها، به این منظومه توصیفی نزدیک‌ترند.

۵-۱-۲. هیپوگرام‌ها (کمینه نگاشت‌ها)

بر اساس خوانش پس‌کنشانه متن و با توجه به انباشت‌ها و منظومه‌های توصیفی، می‌توان هیپوگرام اساسی اثر را چنین طرح کرد:

۱. انسان به دلایل مختلف در محنت و رنج قرار گرفته است:

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتور — ۲۱

«لیک دل من به شصت چیز دگر مبتلاست»، «زخم شما لاعلاج، درد شما بی‌دواست»، «بر کرم‌ت ای رفیق، نیست امید ای دریغ» و «مهر تو سر در نشیب، لطف تو پا در هواست».

۲. بی‌عدالتی و ظلم به‌عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی وجود دارد:

«بر کرم‌ت ای رفیق، نیست امید ای دریغ»، «ای صنم شوخ و چست، تا قمه در دست توست / هر چه تو گویی درست، هر چه تو گویی بجاست!».

۳. فرد دردمند در مواجهه با ظلم، دچار یأس و حرمان شده است:

«زخم شما لاعلاج»، «درد شما بی‌دواست»، «نیست امید ای دریغ» و «تا قمه در دست توست».

۴. نقد و اعتراض به نابرابری و بی‌عدالتی، یک ضرورت و رسالت است و شاعر (قلم) به‌عنوان مصلح اجتماعی، عیوب خود و اجتماع را فریاد می‌زند:

«در وسط انتقاد، نعره‌زنان شد قلم: های! نلغزی به چپ، های! نیچی به راست»، «سهمیه ما اگر، هست یکی، پس چرا / قسمت ما «این قد» است، سهم شما «این هوا» است؟! و «ای که ادیبی، ز فضل، در غزل من ببخش / وزن اگر بی‌ثبات، قافیه گر اشتباست».

۶-۱-۲. ماتریس (شبکه ساختاری یا خاستگاه)

پس از تحلیل انباشت‌ها و منظومه‌های توصیفی کشف‌شده در اثر، به کمینه‌نگاشت‌ها رسیدیم که جملات گاهی کلیشه‌ای و موتیف‌های تکرارشونده‌ای هستند که این غزل طنز برآمده از این هیپوگرام‌هاست. در مرحله پایانی و با در نظر گرفتن تمامی مستندات و اطلاعات به‌دست آمده، به‌دنبال دستیابی به ماتریس اثر هستیم؛ خاستگاه خلق این غزل طنز که به عبارت دیگر، شبکه ساختاری آن است. در جای‌جای این شعر، فرد دردمندی را می‌بینیم که نسبت به بی‌عدالتی و یأس در جهانش، شکوه و در عین حال انتقاد و اعتراض خود را مطرح می‌کند. شاعر در بیت پایانی با تجاهل‌العارفی که به کار برده، خواسته است ایرادات شعری او بخشیده شود:

«ای که ادیبی، ز فضل، در غزل من ببخش / وزن اگر بی ثبات، قافیه گر اشتباست».

این در صورتی است که در غزل حاضر، مشکل وزن و قافیه دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد شاعر به صورت تلویحی خواسته خود را هم شایسته خطاکاری بداند و بنامد تا فرد، تفکر یا جریان نقدشونده با روی گشاده‌تری به انتقادهای منتقد توجه کند. یکی از وجوه مهم تمایز طنز و هجو، در همین همراهی منتقد و نقدشونده است. ناقد طنزپرداز به قصد اصلاح و بهبود امور، نقد می‌کند و مانند هجاگو، کینه‌ای از هجاشونده ندارد یا به دلیل دریافت دستمزد از دشمنانش، به دنبال تخریب وی نیست. در این اثر، شاهد حضور فردی هستیم که از بی‌عدالتی، تبعیض و ظلمی که بر او روا داشته شده، رنجیده و دل شکسته است و این نارضایتی، رنگ‌وبوی ناامیدی گرفته؛ اما رفته‌رفته هرچه به انتهای شعر نزدیک‌تر می‌شویم، انتقادهای او عیان‌تر می‌شود و انگار هنوز کورسوی امیدی برای بهبود امور دارد و کلید گشایش را نقد طنزآمیز می‌داند. در کل، می‌توان مهم‌ترین دغدغه شاعر در سرودن این شعر را نمایش رنج و محنت شخصی او از بی‌عدالتی، ظلم، یأس و بیان آن به‌عنوان فریادی علیه این نابرابری‌ها دانست. شاعر با به تصویر کشیدن رنج‌های خود و دیگران، خواهان ایجاد تغییری در جامعه و رسیدن به عدالتی فراگیر است. استفاده از لحنی طعنه‌آمیز در کنار ظرافت‌های ادبی طنزآمیز، به تأثیرگذاری بیشتر شعر و تأثیر عمیق‌تر پیام آن بر مخاطب کمک کرده است. در انتها می‌توان ماتریس این غزل طنز زرویی نصرآباد را عبارت زیر در نظر گرفت:

ضرورت بیان نقد طنزآمیز برای کاهش بی‌عدالتی و یأس اجتماعی

۳. نتیجه‌گیری

در جستار حاضر با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر به غزل خودسانسوری از زرویی نصرآباد پرداخته و تلاش شده است تا لایه‌های پنهان معنایی و انتقادی موجود در این اثر آشکار شود. یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، تحلیل انباشت‌های موجود در این غزل زرویی نصرآباد است. در این اثر، انباشت‌هایی چون محنت و رنج، یأس و حرمان، ثروت و دارایی، خطاکاری و ظلم مشاهده شد. این موضوعات نشان‌دهنده نگاه انتقادی شاعر به ساختارهای اجتماعی و نابرابری‌های موجود است. این

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۲۳

انباشت‌ها به‌طور هنرمندانه‌ای در سراسر شعر پراکنده شده است و ارتباط میان بخش‌های مختلف متن را تقویت می‌کنند. استفاده از این انباشت‌ها به شاعر کمک کرده تا به شکل سیستماتیک و جامع‌تری به بیان ناهنجاری‌های اجتماعی پردازد و از طریق طنز، نقدی مؤثر و ماندگار ارائه دهد. علاوه بر تحلیل انباشت‌ها، منظومه‌های توصیفی موجود در شعر نیز مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحلیل، سه منظومه اصلی «فرد دردمند»، «ظالم قلدِر» و «عدالت» شناسایی شدند. منظومه «فرد دردمند» نمایانگر رنج و محنت انسان‌های بی‌پناه در مواجهه با بی‌عدالتی‌هاست؛ درحالی‌که منظومه «ظالم قلدِر» به نقد افرادی می‌پردازد که با استفاده از قدرت و فرصت‌طلبی، از دیگران سوءاستفاده می‌کنند. منظومه «عدالت» نیز، نشان‌دهنده آرزوی شاعر برای برقراری تعادل و انصاف در جامعه‌ای است که گرفتار نابرابری و ظلم شده است.

ماتریس نهایی که «ضرورت بیان نقد طنزآمیز برای کاهش بی‌عدالتی و یأس اجتماعی» است، نشان می‌دهد که شاعر به‌طور آگاهانه از طنز به عنوان ابزاری برای نقد سازنده استفاده کرده است. این طنز نه تنها برای خنداندن، بلکه برای بیدارسازی و ایجاد آگاهی در میان مخاطبان به کار رفته است. در پایان، می‌توان گفت که رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر در خوانش یکی از شعرهای طنز زرویی نصرآباد، به ما امکان داد تا به لایه‌های عمیق‌تری از معنا و نقد اجتماعی موجود در آن دست یابیم. او با بهره‌گیری از طنز و با ایجاد زبانی هنری و توانمند، مخاطبان خود را به تأمل و اندیشیدن درباره چالش‌ها و مشکلات موجود دعوت می‌کند.

نتایج این پژوهش نشان داد که رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر در تحلیل شعر طنز فارسی، به‌ویژه آثار ابوالفضل زرویی نصرآباد، می‌تواند مسیرهای جدیدی را برای بررسی ساختار معنایی و کارکردهای انتقادی طنز باز کند. پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آینده، می‌تواند مفید باشد:

۱. تحلیل مقایسه‌ای طنز زرویی نصرآباد و دیگر طنزپردازان معاصر: مقایسه نشانه‌شناختی طنز او با آثار شاعرانی مانند عمران صلاحی، ایرج میرزا، ابوالقاسم حالت

و ابوتراب جلی، می‌تواند به فهم بهتر شیوه‌های متفاوت استفاده از طنز در نقد اجتماعی کمک کند.

۲. بررسی طنز زرویی نصرآباد از منظر سایر نظریه‌های نشانه‌شناختی: تحلیل آثار او بر مبنای نظریه‌های دیگر مانند نظریهٔ یاکوبسن، بارت یا کریستوا می‌تواند ابعاد جدیدی از ساختار زبان طنز را آشکار کند.

۳. تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی طنز زرویی نصرآباد: بررسی تأثیر طنز او بر مخاطبان، میزان پذیرش آن در طبقات اجتماعی مختلف و نحوهٔ بازتاب آن در رسانه‌های عمومی، می‌تواند در فهم میزان و چگونگی اثرگذاری طنز موثر باشد.

۴. بررسی بینامتنیت در طنز زرویی نصرآباد: شناسایی ارجاعات بینامتنی به ادبیات کهن فارسی، اشعار کلاسیک و متون عرفانی در طنز او و تحلیل تأثیر آن بر مخاطب امروز، می‌تواند در پژوهشی مستقل مورد ارزیابی قرار گیرد.

- مشارکت‌های نویسنده:

این پژوهش با همکاری هر دو نویسنده آماده شده است.

- تضاد منافع:

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

- تقدیر و تشکر:

این پژوهش فاقد تشکر و قدردانی است.

-منابع مالی:

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

منابع

- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۴). «تأویل نشانه‌شناختی ساختارگرایی شعر زمستان اخوان ثالث». دانشگاه تهران: پژوهش‌های زبان‌های خارجی. ۱۰ (۲۳). ۲۰-۵.
- ایگلتون، تری (۱۳۹۰). پیش‌درآمدی بر نظریهٔ ادبی. ترجمهٔ عباس مخبر. چ ۶. تهران: مرکز.

نقد غزل طنز «خودسانسوری» ابوالفضل زرویی نصرآباد با رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر — ۲۵

- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۷۸). *طنز و طنزپردازی در ایران*. تهران: صدوق.
- پاینده، حسین (۱۳۹۸). *نظریه و نقد ادبی (درسنامه میان‌رشته‌ای)*. ج ۲. چ ۲. تهران: سمت.
- خیری، فروزنده (۱۳۹۵). *بررسی نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در غزل فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. استاد راهنما: دره دادجوی توکلی.
- دریاباری، کلثوم (۱۳۹۴). *بررسی نشانه‌شناختی صد غزل از شهریار بر مبنای رویکرد مایکل ریفاتر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه الزهرا. استاد راهنما: نسرین فقیه ملک‌مرزبان.
- زرویی نصرآباد، ابوالفضل (۱۳۹۱). *رفوزه‌ها*. چ ۲. تهران: نیستان.
- سلدن، رامان (۱۳۸۴). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. چ ۳. تهران: طرح نو.
- شیر، قهرمان (۱۴۰۲). «عوامل طنزآفرین و انواع اصلی طنز». دانشگاه سمنان: *مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۵(۳۶): ۱۱۹-۱۵۲.
- صادقی، نوشین (۱۳۹۸). *بررسی و تحلیل نشانه‌شناختی اشعار شاملو طبق نظریه ریفاتر (ابراهیم در آتش و آید در آینه)*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه اراک. استاد راهنما: محمدرضا عمران‌پور.
- طهماسبی، فرهاد (۱۳۹۳). «بررسی نشانه‌شناختی شعر مسافر سپهری (بر مبنای نشانه‌شناسی ساختارگرا؛ الگوی ریفاتر و یاکوبسن)». دانشگاه تهران: پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۴(۲): ۲۴۲-۲۱۵.
- عمومی، الهام و دیگران (۱۴۰۲). «بررسی زیبایی‌شناختی کتاب رفوزه‌ها اثر ابوالفضل زرویی از نظر زبانی، معنایی و موسیقایی». دانشگاه سمنان: *مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۴(۳۳): ۱۷۶-۱۴۵.
- غلامی، سارا (۱۳۹۱). *نقد ساختاری غلاغه به خونه‌ش نرسید*. اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه الزهرا. استاد راهنما: نسرین فقیه ملک‌مرزبان.
- کالر، جاناناتان (۱۳۸۸). *در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، واسازی)*. ترجمه لایلا صادقی و تینا امرالهی. تهران: علم.
- قدیمی، صابر (۱۳۹۶). *انزاهای بدیعی در شعر طنز معاصر (با تکیه بر اشعار ایرج میرزا، ابوتراب جلی و ابوالفضل زرویی نصرآباد)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. استاد راهنما: فرهاد طهماسبی.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۰). «کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما». دانشگاه تهران: *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. ۱(۲): ۹۴-۸۱.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۲). «خوانش نشانه‌شناختی زمستان اخوان و پیامی در راه سپهری». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: *فصلنامه ادبیات پارسی معاصر*. ۳(۴): ۱۳۶-۱۱۳.

References

- Anushiravani, Alireza (2005). "Tavil Neshane-Shenakhti Sakhtar-Garayi She'r Zemestan Akhavan Sales" [Semiotic Interpretation of Structuralism in Akhavan's Winter Poem]. *Journal of Foreign Language Research*, University of Tehran, 10(23), 5-20.
- Behzadi Anduhjerdi, Hossein (1999). *Tanz va Tanzpardazi dar Iran* [Satire and Satire Writing in Iran]. Tehran: Sadugh.
- Culler, Jonathan (2009). *Dar Jostejuye Neshaneha (Neshane-Shenasi, Adabiat, Vasazi)* [The Pursuit of Signs: Semiotics, Literature, Deconstruction]. Translated by Leila Sadeghi and Tina Amrollahi. Edited by Farzan Sojoodi. Tehran: Elm.
- Daryabari, Kolsoom (2015). *Barresi Neshane-Shenakhti Sad Ghazal az Shahriar bar Mabnaye Ruykard Michael Riffaterre* [Semiotic Analysis of One Hundred Ghazals by Shahriar Based on Michael Riffaterre's Approach]. Master's thesis, Al-Zahra University. Supervisor: Nasrin Faghih Malek Marzban.
- Eagleton, Terry (2011). *Pishdaramadi bar Nazariye Adabi* [An Introduction to Literary Theory]. Translated by Abbas Mokhber. 6th ed. Tehran: Markaz.
- Ghadimi, Saber (2017). *Abzarhaye Badi'i dar She're-Tanz Mo'aser (Ba Tekye bar Ash'ar Iraj Mirza, Abutorab Jali va Abolfazl Zarooee Nasrabad)* [Rhetorical Devices in Contemporary Satirical Poetry (Focusing on Poems by Iraj Mirza, Abutorab Jali, and Abolfazl Zarooee Nasrabad)]. Master's thesis, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. Supervisor: Farhad Tahmasebi.
- Gholami, Sara (2012). *Naghde-Sakhtari "Ghalaghe be Khune-sh Naresid" Eser Abolfazl Zarooee Nasrabad* [Structural Critique of "Ghalaghe be Khune-sh Naresid" by Abolfazl Zarooee Nasrabad]. Master's thesis, Al-Zahra University. Supervisor: Nasrin Faghih Malek Marzban.
- Kheiri, Foruzandeh (2016). *Barresi Nazariye Neshane-Shenasi Michael Riffaterre dar Ghazal Farsi* [A Study of Michael Riffaterre's Semiotic Theory in Persian Ghazal]. Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. Supervisor: Darreh Dadjuy Tavakoli.
- Nabilou, Alireza (2011). "Karbarad Nazariye Neshane-Shenasi Michael Riffaterre dar Tahlil She'r Ghoghhus Nima" [Application of Michael Riffaterre's Semiotic Theory in Analyzing Nima's Poem 'Phoenix']. *Linguistic Research in Foreign Languages*, University of Tehran, 1(2), 81-94.
- Nabilou, Alireza (2013). "Khaneshe-Neshane-Shenakhti Zemestan Akhavan va Payami dar Rah-Sepehri" [Semiotic Reading of Akhavan's 'Winter' poem and Sepehr's 'A Message on the Way']. *Journal of*

Contemporary Persian Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, 3(4), 113-136.

- Omoumi, Elham, et al. (2023). "Barrasi Zibayi-Shenakhti Ketab *Rufuzeha* Asare Abolfazl Zarooee az Nazar-e Zabani, Maanayi va Mosighayi" [Aesthetic Analysis of *The Failures* by Abolfazl Zarooee in Terms of Language, Meaning, and Music]. *Linguistic and Rhetorical Studies*, Semnan University, 14(33), 145-176.

- Payandeh, Hossein (2019). *Nazariye va Naghd Adabi (Darsname-ye Miyan-Reshte'i)* [Literary Theory and Criticism (Interdisciplinary Textbook)]. Vol. 2. 2nd ed. Tehran: Samt.

- Sadeghi, Nooshin (2019). *Barresi va Tahlil Neshane-Shenakhti Ash'ar Shamlu Tabe Nazariye Riffatterre (Ebrahim dar Atash va Aida dar Ayeneh)* [Semiotic Analysis of Shamlu's Poems According to Riffatterre's Theory (Ebrahim dar Atash and Aida dar Ayeneh)]. PhD dissertation, Arak University. Supervisor: Mohammad Reza Omranpour.

- Selden, Raman (2005). *Rahnama-ye Nazariye Adabi Mo'aser* [A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory]. Translated by Abbas Mokhber. 3rd ed. Tehran: Tarh-e No.

- Shiri, Ghahreman (2023). "Avamel Tanzafarain va Anvae Asli-ye Tanz" [Humorous Elements and Main Types of Satire]. *Linguistic and Rhetorical Studies*, Semnan University, 15(36), 119-152.

- Tahmasebi, Farhad (2014). "Barresi Neshane-Shenakhti She'r Mosafer Sepehr (Bar Mabnaye Neshane-Shenasi Sakhtar-Gara; Olgu-ye Riffatterre va Jakobson)" [Semiotic Analysis of Sepehr's Poem 'Mosafer' (Based on Structuralist Semiotics; Riffatterre and Jakobson's Model)]. *Linguistic Research in Foreign Languages*, University of Tehran, 4(2), 215-242.

- Zarooee Nasrabad, Abolfazl (2012). *Rufuzeha* [The Failures]. 2nd ed. Tehran: Neyestan.

